

## بررسی وضعیت فقر در برنامه های توسعه پس از جنگ (۸۸-۱۳۶۸)<sup>۱</sup>



علی ارشدی \*

عبدالعلی کریمی \*\*

تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۴ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۲۵

### چکیده

مقاله حاضر، وضعیت فقر در ایران طی برنامه‌های توسعه اول تا چهارم را مورد بررسی قرار داده است. بدین منظور پس از ارائه تعاریف فقر و انواع آن و مروری بر مطالعات انجام شده، خط فقر مطلق و نسبی محاسبه و سپس شاخص‌های فقر محاسبه شده است. برای به دست آوردن خط فقر مطلق کل، خط فقر مطلق غذایی براساس رویکرد حداقل نیازهای اساسی، محاسبه و حداقل نیازهای غیرغذایی به آن اضافه شده است. خط فقر نسبی از ۶۶ درصد میانگین مخارج کل خانوار به دست آمده است. نتایج، دلالت بر آن دارد که در طول دوره مورد بررسی، موفقیت چشمگیری در کاهش فقر نسبی نداشته‌ایم. در مناطق شهری، خط فقر نسبی و مطلق بزرگ‌تر از مناطق روستایی بوده است. همچنین در مناطق روستایی تمامی شاخص‌های فقر (درصد فقر نسبی و درصد فقر مطلق) از مناطق شهری بزرگ‌تر بوده است.

**واژه‌های کلیدی:** خط فقر، فقر مطلق، فقر نسبی، شکاف فقر، برنامه‌های توسعه

طبقه‌بندی JEL: O11, O15, O29

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. این مقاله بخشی از یک طرح پژوهشی است که با پشتیبانی مالی صندوق حمایت از پژوهشگران کشور انجام شده است.

arshadi63@yahoo.com

\* دکتری اقتصاد

famor314@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی

### مقدمه

فقر که نمودی از توسعه نیافتگی است، مشکلات مختلفی را در ابعاد گوناگون برای جوامع به بار می آورد. از این روست که موضوع فقر از سوی تمامی کشورهای جهان دارای اهمیت فراوان بوده و برای از بین بردن یا کاهش وسعت آن برنامه‌های ویژه‌ای را اجرا می کنند. لذا سنجش فقر و نیز راه‌های مختلف فقرزدایی در دهه‌های اخیر اهمیت بیشتری در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی کشورهای دنیا به ویژه کشورهای توسعه نیافته پیدا کرده است. در دوران قبل از انقلاب در ایران، سیاست و برنامه‌ای که موضوع فقرزدایی را به صورت مستقیم در دستورکار خود قرار داده باشد مشاهده نمی شود و سیاست و اهداف برنامه‌ها بیشتر در راستای ایجاد زیرساخت‌ها و در بهترین حالت در راستای افزایش رفاه جامعه بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مسئله فقر مورد توجه گسترده‌ای قرار گرفت؛ به گونه‌ای که اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ قانون اساسی مسئله فقر و رفاه اقشار آسیب پذیر را به صراحت مورد توجه قرار داده‌اند. در همین راستا علاوه بر تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه میان مدت (پنج ساله)، اقدامات دیگری در راستای فقرزدایی و مقابله با فقر، طراحی و به اجرا درآمده است. علی رغم تمامی تلاش‌ها، باید اذعان نمود که کشور ما در نوع مواجهه و حل این معضل هنوز با چالش‌های بسیاری روبه روست. به نظر می رسد عوامل متعددی دست به دست هم داده تا همچنان با معضل فقر و عواقب ناشی از آن در سطح کشور، درگیر باشیم.

گام نخست در طراحی و اجرای برنامه‌های مبارزه با فقر، بررسی وضعیت موجود است. در همین راستا محاسبه خط فقر و برآورد میزان و شدت وقوع فقر می تواند اطلاعات مفیدی را در این زمینه فراهم آورد. سنجش فقر می تواند منجر به

درک روشنی از روند تحولات فقر شده و تصویری منسجم از فقر را در طول زمان ارائه دهد؛ در نتیجه دولت قادر خواهد بود تصمیمات و اقدامات لازم را هدف‌گذاری و اتخاذ نماید. در همین راستا، در این مقاله وضعیت فقر مطلق در مناطق شهری و روستایی کشور طی برنامه‌های توسعه اول تا چهارم (۸۸-۱۳۶۸) بررسی شده است.

### ۱. پیشینه تحقیق

آیدین<sup>۱</sup> (۲۰۰۸) فقر نسبی در ترکیه طی سال‌های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۶ را مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله خط فقر نسبی به صورت ۵۰ درصد میانگین مخارج کل تعریف شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طی این دوره، فقر نسبی حدود ۵ درصد کاهش پیدا کرده و در این مدت فقر نسبی مناطق روستایی دو برابر مناطق شهری بوده است.

داوود<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۹) در تحقیقی، فقر مطلق در پاکستان را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که شاخص سرشمار فقر، در فاصله دو دوره زمانی، ۵/۷۴ درصد کاهش یافته است. در این دوره فقر مطلق در مناطق روستایی ۵/۶۷ درصد و در مناطق شهری ۴/۴۸ درصد کاهش پیدا کرده است.

راولین (۲۰۰۹) در تحقیقی وضعیت فقر در کشورهای چین، هند و برزیل را مورد بررسی قرار داده است. وی نتیجه‌گیری می‌کند یکی از عوامل موفقیت برزیل در این مسیر، کاهش فاصله طبقاتی در این کشور از سال ۱۹۹۳ بوده است. توزیع عادلانه درآمد در برزیل منجر به کاهش فاصله طبقاتی و در نتیجه کاهش فقر شده است. در چین نیز دولت با ارائه طرح‌های امنیت شغلی و درآمدی، نقش مهمی در کاهش فقر داشته است. ثبات اقتصادی چین نیز در کاهش فقر تأثیر مثبتی داشته است. چین، زمانی توانست فقر را بیشتر کاهش دهد که صنعت کشاورزی این کشور به سرعت رشد کرده بود. اما زمانی که رشد اقتصادی به سوی شهرها و مراکز تولید تغییر کرد، فاصله طبقاتی در چین نیز افزایش یافت. کشور هند نیز با رشد

1. Aydin

2. Dawood



اقتصادی و سیاست‌های حمایتی - اجتماعی توانست اقدامات مثبتی را در مبارزه با فقر انجام دهد.

اکرام<sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای فقر نسبی در مناطق مختلف پاکستان را در دو دوره زمانی مختلف یعنی دوره ۹۹-۱۹۹۸ و ۲۰۰۵-۲۰۰۴ مورد بررسی و مقایسه قرار داده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که فقر نسبی در دوره ۹۹-۱۹۹۸ حدود ۴۱/۳۸ درصد بوده که در دوره ۲۰۰۵-۲۰۰۴ به ۳۷/۷۸ درصد کاهش یافته است.

اریف و فاروک<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) در مقاله‌ای به بررسی موفقیت دولت چین و ناکامی دولت پاکستان در زمینه کاهش فقر پرداخته‌اند. آنها نتیجه‌گیری می‌کنند موفقیت چین در کاهش فقر به‌طور عمده براساس اصلاحات کشاورزی روستایی در اواخر دهه ۱۹۷۰، سرمایه‌گذاری هدفمند و عظیم عمومی از اواسط دهه ۱۹۸۰، تقویت درآمد غیرکشاورزی روستاییان و گسترش شهرنشینی در دهه ۱۹۹۰ بوده است. این موفقیت ریشه در عزم سیاسی دولت مردان و توان سازمانی قوی در چین داشت که در سطح کلان باعث ثبات شرایط اقتصادی و در سطح خرد باعث تقویت فقرا شد. در پاکستان عمده‌ترین دلایل ناکامی دولت در کاهش فقر عبارتند از: اجرای ضعیف برنامه‌ها، نهادهای ضعیف، حاکمیت ضعیف، هزینه‌های عمومی پایین، سرمایه انسانی پایین، فشار جمعیت و درگیری. در این بین یکی از سیاست‌هایی که در پاکستان در کاهش فقر تا حدودی موفق بوده گسترش شهرنشینی است.

گلاسمن و بردسال (۲۰۱۳) در مقاله‌ای طرح پرداخت یارانه کالایی و پرداخت یارانه نقدی در هند را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عقیده نویسنده عوامل متعددی دست به دست هم دادند تا برنامه یارانه کالایی در نهایت موفق عمل نکند. قانون‌های گیج‌کننده درباره اینکه کدام گروه از فقرا باید از یارانه‌ها بهره‌مند شوند و نبود اجماع در مورد این مسئله، در کنار مکانیسم اجرایی ضعیف و در نهایت عامل فساد، همگی دست به دست هم دادند تا این برنامه شکست بخورد. در مقایسه با سیستم بسیار ناکارآمد گذشته، سیستم پرداخت نقدی یارانه، پیشرفت بزرگی محسوب می‌شود.

1. Ikram

2. G. M. Arif and Shujaat Farooq

گروه‌هایی که هدف این برنامه کاهش فقر بوده‌اند وضعیت معیشتی بهتری را در نتیجه این سیاست‌ها تجربه کرده‌اند. دیگر آمارها نیز در حال بهبود هستند. وضعیت تغذیه و حضور کودکان در مدارس بهتر شده است. فروش کود و ابزارآلات کشاورزی نیز افزایش یافته است.

خالدی و پرمه (۱۳۸۴) در مقاله‌ای وضعیت فقر در سال‌های (۱۳۸۲-۱۳۷۵) در ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این مطالعه خط فقر مطلق غذایی براساس تغذیه مناسب محاسبه و با سه روش، خط فقر مطلق کل برآورد شده است.

روش اول: (خط فقر غذایی)  $\frac{1}{3}$  خط فقر غذایی = خط فقر کل

روش دوم: (خط فقر غذایی)  $\frac{1}{3}$  خط فقر غذایی = خط فقر کل

روش سوم (روش ارشانسکی):  $\frac{\text{مخارج کل}}{\text{مخارج خوراکی}} * \text{خط فقر غذایی} = \text{خط فقر کل}$

به‌زعم نویسندگان با توجه به شرایط کشورهای جهان سوم، روش دوم برای این کشورها مناسب‌ترین روش است. نتایج، نشان می‌دهد میزان فقر مطلق در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری بوده است. میزان فقر نسبی روستایی، برخلاف انتظار، در سال‌های ۷۹-۱۳۷۷ بیش از میزان آن در مناطق شهری بوده است.

افقه و قنوتی‌فر (۱۳۹۰) در مقاله‌ای خط فقر در استان خوزستان طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵ را برآورد کرده و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند. بدین منظور ابتدا با استفاده از تخمین ماتریس عملکرد تغذیه‌ای، میزان انرژی دریافتی در دهک‌های مختلف برآورد شده و سپس خط فقر مطلق بر مبنای معیار ۲۳۰۰ کالری محاسبه شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که طی دوره زمانی مذکور، خط فقر مطلق مناطق شهری و روستایی استان از روندی افزایشی برخوردار بوده و این افزایش در مناطق شهری بیشتر از مناطق روستایی است.

کیانی و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای فقر شهری در کل کشور و ۳۰ استان در سال ۱۳۸۸ را با کمک اطلاعات طرح هزینه - درآمد خانوار و به‌کارگیری روش نیازهای اساسی مورد بررسی قرار داده‌اند. محاسبه شاخص‌های فقر در این تحقیق حاکی از شدت و گستردگی نسبتاً بالای فقر و نهادینه شدن آن در جامعه شهری کشور است.

محمودی (۱۳۹۰) در تحقیقی تغییرات فقر مطلق طی برنامه‌های دوم، سوم و چهارم توسعه (۲۰۰۷-۱۹۹۵) در ایران را مورد بررسی قرار داده است. نتایج به‌دست‌آمده از این تحقیق حاکی از آن است که طی برنامه دوم توسعه همه شاخص‌های فقر مطلق (شاخص سرشمار، شکاف فقر و شدت فقر) در مناطق روستایی افزایش و در مناطق شهری کاهش یافته است. در طول برنامه سوم توسعه، کاهش قابل ملاحظه‌ای در همه شاخص‌های فقر اتفاق افتاده است. طی برنامه چهارم توسعه همه شاخص‌های فقر با افزایش مواجه بوده‌اند. در دوره مورد بررسی درصد و شدت فقر در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری بوده است. همچنین وضعیت فقر در استان‌هایی مثل سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه، همدان و ایلام بدتر از سایر مناطق بوده است. افتخاری و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد را مورد بررسی قرار داده‌اند. داده‌های مورد نیاز با پرسش‌نامه جمع‌آوری و خط فقر غذایی از روش انرژی دریافتی مواد غذایی محاسبه شد. یافته‌های تحقیق نشان داد که حدود ۳۲ درصد از نمونه‌های این بررسی، زیر خط فقر قرار دارند. تفاوت معناداری میان دو گروه تنگدست و غیرتنگدست در تعیین‌کننده‌های سن سرپرست، استفاده‌کنندگان از خدمات درمانی و تسهیلات، مالکان تراکتور، خانه، آب لوله‌کشی، گاز لوله‌کشی، حمام و آشپزخانه، نسبت افراد دارای درآمد و باسواد به اندازه خانوار، رفاه و سرمایه اجتماعی وجود دارد.

خسروی‌نژاد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای وضعیت فقر نسبی برای جوامع شهری و روستایی ایران طی دوره ۱۳۸۶-۱۳۸۰ را مورد بررسی قرار داده است. در این مطالعه شاخص‌های سرشمار، شکاف فقر و شاخص (FGT) محاسبه و تحلیل شده است. نتایج حاکی از آن است که در نیمه اول دوره مورد مطالعه شاخص‌های فقر روند تقریباً نزولی را طی کرده‌اند، این درحالی است که نیمه دوم، تصویری از صعودی بودن شاخص‌های فقر را ارائه می‌کند؛ از این رو، توجه هرچه بیشتر به پدیده فقر، پایش مستمر آن، و تلاش بیشتر برای فقرزدایی را یادآور می‌شود.

کریمی و ارشادی (۱۳۹۲) در تحقیقی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند. در این تحقیق خط فقر مطلق غذایی براساس تغذیه مناسب و خط فقر نسبی نیز از طریق ۶۶ درصد هزینه‌های کل

(خوراکی و غیرخوراکی) خانوار به دست آمده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که:  
۱. میزان فقر مطلق و نسبی در مناطق روستایی بالاتر از مناطق شهری بوده است؛

۲. سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدایی در ایران بر فقر مطلق متمرکز بوده و به فقر نسبی کمتر توجه شده است؛

۳. برنامه‌های تعدیل ساختاری باعث افزایش شدید فقر در مناطق روستایی شده است. تأثیر این برنامه‌ها در مناطق شهری در مقایسه با مناطق روستایی، ناچیز بوده است.

با در نظر گرفتن اهداف این تحقیق و مرور پژوهش‌های انجام شده، وجوه تمایز این تحقیق با سایر پژوهش‌های انجام شده عبارتند از:

۱. این تحقیق تمام برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی بعد از جنگ تحمیلی (برنامه اول تا چهارم) را مورد بررسی قرار می‌دهد که تاکنون هیچ تحقیقی با این وسعت انجام نشده است؛

۲. تحقیقات پیشین عموماً به بحث پیرامون شاخص‌های فقر پرداخته و تعداد کمی نیز سیاست‌های پیشین را نقد کرده‌اند. این تحقیق علاوه بر محاسبه و تحلیل شاخص‌های فقر، تا حدودی به نقد سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدایی نیز می‌پردازد.

## ۲. چارچوب نظری تحقیق

۲-۱. رویکردهای مختلف در مورد فقر  
اکثر صاحب‌نظران، فقر را مسئله‌ای اجتماعی می‌دانند. به همین دلیل در جستجوی راه‌حل‌های اجتماعی برای مقابله با این مسئله هستند. این موضوع که چگونه می‌توان فقر را حل کرد، بیش از هر چیز به نوع تلاشی وابسته است که برای شناخت و تحلیل آن در شرایط زمانی و مکانی خاص به عمل می‌آید. در جوامعی که با گرسنگی وسیع روبه‌رو هستند، تعاریف فقر گرایش به آن دارند که بر مسائل مرتبط با گرسنگی تمرکز یابند. در حالی که در جوامعی که از سطح رفاه حداقلی برخوردار هستند، تعاریف فقر بر شاخص‌هایی متمرکز هستند که بیشتر دلالت بر محرومیت نسبی از قبیل سوء تغذیه، دسترسی محدودتر به امکانات بهداشتی، سطح رفاه پایین‌تر



و... دارند. بنابراین می‌توان گفت نخستین قدم در حل مسئله فقر، ارائه تعریفی با دلالت‌های زمانی و مکانی معین از این پدیده است که بر پایه شاخص‌های عینی و محسوس، سنجش و احصاء این پدیده را ممکن کند. شناخت و تحلیل فقر بر پایه این تعریف باید به نحوی باشد که بتواند به گام‌های اصولی و مهم بعدی در زمینه حل مسئله رهنمون شود (زاهدی، ۱۳۸۴). این گام‌ها عبارتند:

۱. تعیین سطح و ابعاد مسئله برای طرح‌ریزی شیوه‌هایی برای سنجش و اندازه‌گیری فقر؛

۲. ریشه‌یابی مسئله در راستای پیش‌بینی چارچوب‌هایی کارآمد برای بررسی علل بروز فقر؛

۳. فراهم‌سازی شرایط تغییر ساختاری که علل و عوامل بروز فقر در چارچوب آن عمل می‌کنند؛

۴. طراحی سازوکارهایی به منظور ارزیابی و بازنگری سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدایی در جامعه.

ملاحظه می‌شود هر نوع تلاش برای شناخت و تحلیل فقر، مستلزم پاسخ به چهار پرسش اساسی زیر است:

۱. فقر چیست و چه دامنه و وسعتی دارد؟

۲. علل پدیده آورنده آن کدامند؟

۳. چه راه‌ها و خط‌مشی‌هایی برای مقابله با آن می‌توان ارائه کرد؟

## ۲-۲. مفهوم فقر و انواع آن

در مورد مسئله فقر بسیاری از اندیشمندان و سیاست‌گذاران و حتی اقشار مردم به بحث می‌پردازند. اساس بحث آنها این است که برای برخورد با مسئله فقر باید مشکل به درستی شناسایی شود. اما شناخت این افراد از مسئله فقر متفاوت است. بنابراین برخورد آنها نیز در این مورد یکسان نخواهد بود. نشان خواهیم داد که تعریف صریح و علمی از فقر که توافق عمومی در مورد آن وجود داشته باشد در اختیار نیست. ممکن است بسیاری از محققان ایده روشنی در مورد نحوه برخورد با مسئله فقر داشته باشند و توصیف و تعریف آنها از فقر نیز توجیهی داشته باشد، اما اینکه منظور آنها از فقر



چیست، بستگی به این دارد که آنها می‌خواهند چه چیزی را درباره فقر انجام دهند. به این ترتیب نخستین چیزی که در مورد فقر مشخص می‌شود این است که فقر پدیده ساده‌ای نیست که ما بتوانیم با به‌کارگیری یک دیدگاه آنرا تعریف کنیم؛ بلکه طبیعت چندبعدی فقر باعث می‌شود که ارائه تعریف جامع و دقیقی از آن مشکل باشد.

### ۳-۲. تعریف فقر

تانسند<sup>۱</sup> در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تعریفی از فقر ارائه داد که به‌طور گسترده از آن استفاده شد: افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی زمانی فقیر به حساب می‌آیند که با فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی، مواجه باشند. آمارتیاسن (۱۹۸۱) اشاره دارد که کلیه تعاریف صورت گرفته در مورد فقر به نوعی محرومیت اشاره می‌کنند. البته محرومیت خود یک مفهوم نسبی است که ممکن است در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت، با هم فرق داشته باشند. بدین معنی که در یک کشور در حال توسعه ممکن است فقر به معنی محرومیت از امکاناتی تلقی شود که برای ادامه حیات ضروری است نظیر غذا، مسکن، دارو؛ در حالی که در یک کشور توسعه یافته بر محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی متوسط دلالت دارد (تانسند، ۱۹۷۹: ۳۱). در یک بررسی مفهومی فقر به دو نوع مطلق و نسبی تقسیم می‌شود.

فقر مطلق موضوعی عینی است که برپایه حداقل معاش شکل گرفته و منظور از حداقل معاش، حداقل نیازهایی است که برای حفظ زندگی لازم است. اگر سطح زندگی فردی کمتر از این حداقل باشد توان لازم برای ادامه زندگی را نخواهد داشت. بنابراین، فقر مطلق بستگی به چگونگی تعریف حداقل معاش دارد. برای این کار لازم است بدانیم مردم به چه چیزی نیاز دارند و با دسترسی به چه میزان از کالاها و خدمات، فقر آنها برطرف خواهد شد.

فقر نسبی موضوعی نسبی است و در آن داوری‌ها بر تعیین سطح فقر مؤثر است. فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود تعریف شده است. در فقر

1. Townsend

نسبی که ناشی از اختلاف درآمدی است، فقر ناشی از کمبود منابع فرد، برای دسترسی به حداقل استانداردهای زندگی آن جامعه است. در تعریف فقر نسبی به نابرابری در توزیع درآمد بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. باید توجه داشت که این مفهوم در کشورهای مختلف به صورت‌های مختلف تعریف می‌شود و در طول زمان بر اثر تحولات اقتصادی نیز تغییر می‌یابد.

#### ۴-۲. خط فقر

##### ۴-۴-۱. تعاریف خط فقر

خط فقر عبارت است از مخارجی که یک فرد در یک زمان و مکان معین برای دسترسی به یک حداقل رفاه متحمل می‌شود. افرادی که به این سطح رفاه دسترسی ندارند فقیر و کسانی که به این سطح حداقل رفاه دسترسی دارند غیرفقیر می‌باشند (راوالیون، ۱۹۹۸: ۶). برای اندازه‌گیری فقر و تعیین فقرا به ملاکی به نام خط فقر نیاز است، اما ادامه حیات نیز کاملاً روشن نمی‌باشد. همین ابهام موجب شده است که تعاریف مختلفی از فقر و خط فقر ارائه شود که انتخاب هر یک در سیاست‌های عملی فقرزدایی حائز اهمیت است؛ زیرا شاخص‌های مبتنی بر این مفاهیم، حساسیت‌های متفاوتی در مقابل تغییرات اقتصادی کوتاه‌مدت و بلندمدت و یا نابرابری از خود نشان می‌دهند.

خط فقر مطلق عبارت است از مقدار درآمدی که برای تأمین حداقل نیازهای افراد مانند غذا، پوشاک و... لازم است. این روش تعیین خط فقر را روش نیازهای اساسی می‌گویند. در این روش ابتدا میزانی از درآمد برای تأمین هزینه‌های غذایی فرد در نظر گرفته شده، سپس مقداری درآمد نیز برای تأمین سایر نیازها به آن افزوده می‌شود (خط فقر کل). اگر درآمد فرد از این مقدار محاسبه شده (خط فقر کل) بیشتر یا مساوی باشد، وی غیرفقیر محسوب می‌شود. گاهی برای تعیین خط فقر مطلق از روش حداقل درآمد برای تأمین نیازهای اساسی استفاده نشده و ویژگی‌های کیفی نظیر سطح زیربنای مسکونی، تحصیلات سرپرست خانوار، تعداد افراد باسواد خانواده و... در نظر گرفته می‌شود.

خط فقر نسبی به صورت درصدی از میانگین (میان) درآمد جامعه تعریف می‌شود. انتخاب خط فقر نسبی موجب می‌شود که همواره در جامعه عده‌ای از افراد

به عنوان فقیر معرفی شوند. به عنوان نمونه در جوامع توسعه یافته، علی رغم افزایش درآمدها و رفع نیازهای اساسی، همواره گروهی از جمعیت، فقیر محسوب می شوند. هر قدر هم کل درآمد و درآمد متوسط افراد افزایش یابد، فقر به مفهوم نسبی، همیشه با ما خواهد بود. این مسئله مهم ترین اشکال خط فقر نسبی است که استفاده از آن را در سیاست های فقرزدایی دچار مشکل می کند. خط فقر نسبی و شاخص های فقر نسبی بیش از آنکه نمایانگر فقر باشند، میزان نابرابری توزیع درآمد در جامعه را نشان می دهند. به هر حال برای محاسبه تعداد فقرا نیاز است که خط فقر مشخص شود. چندین روش برای محاسبه خط فقر وجود دارد.

#### ۲-۴-۲. روش نیازهای اساسی

در این روش فرض می شود که باید حداقلی از نیازهای خوراکی و غیرخوراکی تأمین شود. این نیازهای حداقل، حداقل سطح درآمد مورد نیاز را مشخص می کند. برای این منظور مقدار کالای مورد نیاز را در قیمت آن ضرب کرده، مخارج روی آن کالا محاسبه می شود. با جمع کردن مخارج همه کالای مورد نیاز، خط فقر به دست می آید. در این روش ابتدا میزانی از درآمد برای تأمین هزینه های غذایی در نظر گرفته می شود، سپس مقداری درآمد ثابت برای تأمین هزینه حداقل سایر نیازها به آن افزوده می شود. اگر درآمد فرد از این مقدار محاسبه شده (خط فقر کل) بیشتر یا مساوی باشد، وی غیرفقیر محسوب می شود.

#### ۲-۴-۳. روش نسبت غذا

این روش مشابه روش ارشانسکی به رابطه بین غذا و درآمد وابسته است. در این روش که نخستین بار توسط واتس<sup>۱</sup> (۱۹۶۷) مطرح شد، نسبت معینی از غذا به درآمد به عنوان آستانه و مرز فقیر و غنی در نظر گرفته می شود. خانوارهایی که نسبت مخارج غذا به درآمدشان بیشتر از نسبت مذکور باشد، فقیر تلقی شده و خانوارهایی با نسبت کمتر از آن غیرفقیر محسوب می شوند.

#### ۲-۴-۴. روش درصدی از میانه یا میانگین درآمد

در این روش یک شاخص درآمدی مثل میانه یا میانگین درآمد جامعه مشخص شده و



سپس ۵۰ یا ۶۶ درصد میانه یا میانگین به عنوان خط فقر لحاظ می‌شود. این روش، فقر را به صورت محرومیت نسبی توصیف می‌کند. البته در این روش دیدگاه نظری مستدلی برای تعیین درصد مورد نظر وجود ندارد و تعیین ۵۰ یا ۶۶ درصد اختیاری و تجربی است و هر محقق می‌تواند آن را برای خود تعیین کند. باین حال مطالعات تجربی عموماً ۵۰ یا ۶۶ درصد میانگین یا میانه مخارج جامعه را به عنوان معیار خط فقر نسبی در نظر می‌گیرند.

### ۳. شاخص‌های وقوع فقر

#### ۳-۱. شاخص نسبت افراد فقیر (نسبت سرشمار)

این شاخص عبارت است از نسبت تعداد افراد فقیر به کل افراد یعنی:

(۱)

$$P_0 = \frac{n}{N}$$

$n$  تعداد افراد فقیر و  $N$  تعداد کل افراد است. این شاخص نشان می‌دهد چه نسبتی از افراد، زیر خط فقر زندگی می‌کنند. اشکال عمده این شاخص این است که افزایش یا کاهش درآمد افراد فقیر و غیرفقیر مشروط به آنکه موجب جابه‌جایی افراد حول خط فقر نشود، هیچ‌گونه تأثیری در اندازه شاخص نداشته یا به عبارتی، نسبت به انتقال درآمد بین فقرا و حتی بین فقرا و غیرفقرا حساس نبوده و برای حل چنین ایراداتی، از شاخص شکاف فقر استفاده می‌شود.

#### ۳-۲. شاخص شکاف فقر

این شاخص بر فاصله کلی فقرا نسبت به خط فقر مبتنی است که در آن شکاف فقر برای افراد غیرفقیر صفر محسوب می‌شود. با استفاده از تابع شاخص می‌توان نوشت:

(۲)

$$G_i = (Z - Y_i) \cdot I \quad (Y_i < Z)$$

$G_i$  شکاف فقر فرد  $i$ ام،  $Z$  خط فقر،  $Y_i$  مخارج فرد  $i$ ام و  $I$  تابعی است که اگر فرد فقیر باشد مقدار ۱ و در غیر این صورت مقدار ۰ را اختیار می‌کند. شاخص شکاف فقر ( $P_1$ ) به صورت زیر نیز تعریف می‌شود:

(۳)

$$P_1 = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{G_i}{Z}$$

#### ۴. روش و شیوه اجرای تحقیق

در این تحقیق شاخص‌های درصد فقرا (مطلق و نسبی) و شکاف فقر مطلق برای مناطق روستایی و شهری ایران طی دوره (۸۸-۱۳۸۸) محاسبه و مورد بررسی قرار گرفته است. بدین منظور ابتدا خط فقر مشخص و سپس نسبت به محاسبه شاخص‌ها اقدام شده است. برای به دست آوردن خط فقر مطلق کل، ابتدا خط فقر مطلق غذایی براساس رویکرد حداقل نیازهای اساسی محاسبه و سپس حداقل نیازهای غیر غذایی به آن اضافه شده است. برای تعیین خط فقر مطلق غذایی از الگوی پیشنهادی انستیتو تغذیه ایران استفاده می‌شود (۲۳۰۰ کیلوکالری انرژی برای یک نفر در روز). پس از تعیین قیمت مواد غذایی و ضرب آن در مقدار مورد نیاز، ارزش ریالی مواد غذایی محاسبه و با جمع این مقادیر، خط فقر غذایی سرانه به دست می‌آید (خط فقر غذایی برای هر سال به صورت جداگانه و براساس قیمت‌های همان سال محاسبه شده است). برای اضافه کردن حداقل نیازهای غیر غذایی از روش زیر استفاده می‌شود:

$$\left( \text{خط فقر غذایی سرانه} \right) + \frac{1}{3} = \text{خط فقر مطلق کل سرانه}$$

بعد خانوار \* خط فقر مطلق کل سرانه = خط فقر مطلق کل خانوار

جدول شماره (۱). الگوی پیشنهادی تغذیه مناسب در ایران

مواد غذایی	مواد غذایی مورد نیاز در روز		مواد غذایی مورد نیاز در روز		مواد غذایی	مواد غذایی مورد نیاز در روز	
	وزن (گرم)	کیلوکالری	وزن (گرم)	کیلوکالری		وزن (گرم)	کیلوکالری
نان	۲۵۰	۶۸۹	۳۰	۸۷/۶	گوشت قرمز	۶۸۹	۸۲/۷
برنج	۱۰۰	۳۶۰	۲۵	۷۲/۲	گوشت مرغ	۳۶۰	۴۹
حیوانات	۳۰	۱۰۶	۲۰	۲۵/۷	گوشت ماهی	۱۰۶	۱۱۶/۲
قند و شکر	۴۵	۱۸۰	۲۵	۴۰	تخم مرغ	۱۸۰	۱۹۵
روغن	۲۵	۲۲۵	۱۰۰	۶۴	شیر	۲۲۵	۲۹۹۴
			کل				

شاخص «نسبت سرشمار» براساس این فرمول محاسبه می‌شود:

(۴)

$$P_0 = \frac{n}{N} * 100$$

$P_0$  شاخص نسبت سرشمار،  $N$  تعداد کل خانوار و  $n$  تعداد خانوارهای فقیر

برای محاسبه شکاف فقر از این فرمول استفاده شده است:

(5)

$$P_1 = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n \frac{(z - X_i)}{z} * 100$$

n تعداد افراد فقیر، z خط فقر و Xi درآمد i امین فرد فقیر می باشد.

خط فقر نسبی از ۶۶ درصد میانگین مخارج کل خانوارها به دست می آید. به این ترتیب که ابتدا میانگین مخارج کل خانوارها را به دست آورده و این عدد را در ۰/۶۶ ضرب می کنیم. عدد حاصل خط فقر نسبی است.

### ۵. یافته های تحقیق

در این قسمت به منظور آگاهی از عملکرد برنامه های توسعه اول تا چهارم در زمینه بهبود شاخص های فقر، این شاخص ها در سال های مربوط به هر برنامه محاسبه و این برنامه ها با یکدیگر مقایسه می شوند. نتایج برآورد شاخص های فقر در جداول زیر آورده شده است.

جدول شماره (۲). میزان شاخص های فقر در سال های مختلف

برنامه	سال	فقر مطلق										
		خط فقر (ریال)				درصد شکاف فقر						
		روستا		شهر		روستا		شهر				
برنامه اول	۱۳۶۸	۱,۳۷۲,۱۶۹	۹۲۶,۵۱۱	۳۶/۷	۴۵/۵	۴۰/۷	۴۵/۵	۳۶/۷	۸۶۶,۰۹۳	۱,۳۷۷,۰۹۳	۴۳/۵	۴۰/۷
	۱۳۶۹	۱,۴۵۲,۱۴۶	۱,۰۰۲,۳۵۶	۲۶/۸	۳۹/۷	۴۲/۰	۴۶/۱	۳۹/۷	۱,۰۰۴,۷۹۳	۱,۶۲۹,۹۸۳	۴۶/۱	۴۲/۰
	۱۳۷۰	۱,۷۷۲,۲۲۸	۱,۱۴۹,۴۰۳	۳۶/۹	۳۸/۹	۳۸/۹	۴۵/۸	۳۸/۹	۱,۲۵۸,۹۳۶	۱,۸۴۲,۳۵۸	۴۵/۸	۳۸/۹
	۱۳۷۱	۲,۱۴۶,۲۸۰	۱,۳۹۴,۱۳۴	۳۶/۳	۳۶/۳	۳۶/۳	۴۵/۲	۳۷/۲	۱,۵۲۶,۸۱۷	۲,۲۸۸,۵۲۳	۴۵/۲	۳۷/۲
برنامه دوم	۱۳۷۲	۲,۶۱۷,۷۷۹	۱,۷۱۵,۸۷۱	۳۳/۶	۳۷/۴	۳۵/۶	۴۴/۶	۳۷/۴	۱,۸۲۲,۷۰۷	۲,۸۰۹,۸۱۹	۴۴/۶	۳۵/۶
	۱۳۷۳	۳,۶۴۶,۱۱۲	۲,۴۵۴,۴۶۵	۳۰/۳	۳۸/۱	۳۴/۲	۴۱/۳	۳۴/۲	۲,۷۰۲,۱۵۷	۴,۱۱۷,۱۸۷	۴۱/۳	۳۴/۲
	۱۳۷۴	۵,۴۲۲,۵۹۴	۳,۷۵۴,۷۰۸	۳۵/۸	۳۹/۸	۳۵/۹	۴۲/۵	۳۵/۹	۴,۰۰۴,۴۷۶	۶,۰۰۴,۴۷۶	۴۲/۵	۳۵/۹
	۱۳۷۵	۶,۶۵۱,۳۶۱	۴,۷۳۵,۰۲۵	۳۲/۲	۴۰/۲	۳۵/۳	۴۲/۸	۳۵/۳	۴,۶۹۹,۱۴۵	۷,۷۷۸,۵۶۵	۴۲/۸	۳۵/۳
برنامه سوم	۱۳۷۶	۷,۶۱۲,۰۷۳	۶,۲۷۴,۹۶۲	۲۸/۶	۴۴/۲	۳۴/۲	۴۲/۴	۲۸/۶	۵,۷۵۰,۲۱۸	۹,۳۴۸,۲۸۹	۴۲/۴	۳۴/۲
	۱۳۷۷	۸,۹۲۹,۶۱۰	۷,۳۸۸,۶۲۸	۲۵/۶	۴۱/۷	۳۴/۲	۴۲/۹	۲۵/۶	۷,۷۰۹,۶۰۷	۱۱,۵۲۰,۸۸۸	۴۲/۹	۳۴/۲
	۱۳۷۸	۱۰,۳۹۶,۶۹۳	۸,۶۴۱,۹۳۰	۲۵/۱	۳۸/۲	۳۴/۲	۴۰/۷	۲۵/۱	۹,۲۱۲,۷۹۳	۱۴,۰۸۵,۲۶۴	۴۰/۷	۳۴/۲
	۱۳۷۹	۱۱,۴۴۶,۶۹۳	۱۰,۱۲۴,۹۸۳	۲۲/۵	۳۸/۷	۳۳/۰	۴۰/۸	۲۲/۵	۱۰,۵۵۹,۳۳۰	۱۶,۰۷۶,۷۹۸	۴۰/۸	۳۳/۰
برنامه چهارم	۱۳۸۰	۱۲,۵۴۰,۳۲۰	۱۱,۰۴۱,۷۰۸	۲۱/۱	۳۷/۴	۳۲/۶	۴۰/۳	۲۱/۱	۱۱,۸۱۴,۵۹۹	۱۸,۹۶۹,۱۶۰	۴۰/۳	۳۲/۶
	۱۳۸۱	۱۴,۲۷۸,۵۹۳	۱۲,۴۲۲,۷۸۲	۱۷/۹	۳۴/۱	۳۱/۳	۳۹/۳	۱۷/۹	۱۴,۶۶۸,۱۲۳	۲۲,۹۵۰,۵۳۷	۳۹/۳	۳۱/۳
	۱۳۸۲	۱۶,۲۵۲,۵۴۸	۱۴,۵۱۴,۸۴۳	۱۳/۳	۳۲/۵	۳۰/۸	۳۵/۲	۱۳/۳	۱۷,۴۹۴,۶۲۰	۲۷,۰۴۸,۲۳۱	۳۵/۲	۳۰/۸
	۱۳۸۳	۱۸,۴۵۹,۸۸۲	۱۶,۲۲۵,۸۲۸	۱۲/۵	۳۱/۹	۲۹/۵	۳۴/۷	۱۲/۵	۲۲,۴۹۰,۷۰۰	۳۴,۱۴۳,۴۱۸	۳۴/۷	۲۹/۵
میانگین	۱۳۸۴	۲۰,۴۰۴,۳۲۴	۱۸,۵۸۳,۲۴۴	۱۱/۳	۳۴/۸	۲۸/۹	۳۴/۹	۱۱/۳	۲۴,۹۹۴,۸۹۲	۳۸,۵۰۸,۲۸۱	۳۴/۹	۲۸/۹
	۱۳۸۵	۲۲,۹۰۲,۳۲۲	۲۰,۵۵۶,۶۴۲	۱۳/۵	۳۵/۰	۲۹/۷	۳۵/۳	۱۳/۵	۲۷,۴۹۹,۵۰۸	۴۲,۷۷۸,۴۸۸	۳۵/۳	۲۹/۷
	۱۳۸۶	۲۵,۸۲۲,۸۹۸	۲۳,۴۲۲,۸۶۰	۱۲/۷	۳۳/۸	۳۰/۵	۳۵/۲	۱۲/۷	۳۱,۴۴۴,۰۱۳	۵۰,۸۳۳,۹۴۳	۳۵/۲	۳۰/۵
	۱۳۸۷	۳۱,۸۵۱,۳۰۹	۲۸,۸۷۱,۱۲۰	۱۳/۵	۳۷/۱	۳۰/۴	۳۶/۲	۱۳/۵	۳۴,۷۷۸,۱۰۵	۵۶,۹۳۵,۱۶۰	۳۶/۲	۳۰/۴
میانگین	۱۲,۴۱۱,۵۴۱	۱۰,۶۴۴,۳۲۷	۲۴/۶	۳۴/۳	۳۲/۸	۴۰/۳	۲۴/۶	۱۳,۰۷۴,۴۹۰	۲۰,۴۲۴,۷۹۳	۴۰/۳	۳۲/۸	

جدول شماره (۳). درصد تغییر شاخص‌های فقر در مناطق شهری کشور در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله

عنوان	سال	فقر مطلق				فقر نسبی			
		خط فقر		نسبت شکاف فقر		خط فقر		درصد فقرا	
		افزایش سالانه	میانگین افزایش	نرخ بهبود سالانه	میانگین نرخ بهبود	افزایش سالانه	میانگین افزایش	نرخ بهبود سالانه	میانگین نرخ بهبود
برنامه اول	۱۳۶۸	-	-	-	-	-	-	-	-
	۱۳۶۹	۵/۸	۳۱/۰	۳/۲	۳/۱	۳/۲	۳۱/۰	۸/۲	۱/۹
	۱۳۷۰	۲۲/۰	۱۳/۰	۳/۵	۳/۱	۳/۵	۱۳/۰	-۷/۵	۱/۹
	۱۳۷۱	۲۱/۱	۲۴/۲	۲/۲	۳/۱	۲/۲	۲۴/۲	۲/۷	۱/۹
	۱۳۷۲	۲۲/۰	۲۲/۸	۴/۴	۳/۱	۴/۴	۲۲/۸	۴/۴	۱/۹
برنامه دوم	۱۳۷۳	۳۹/۳	۳۶/۵	۳/۹	۰/۷	۳/۹	۳۶/۵	-۱/۵	-۰/۱
	۱۳۷۴	۴۸/۷	۴۵/۸	-۵/۰	۰/۷	-۵/۰	۴۵/۸	-۲/۶	-۰/۱
	۱۳۷۵	۲۲/۷	۲۹/۵	۱/۷	۰/۷	۱/۷	۲۹/۵	۰/۹	-۰/۱
	۱۳۷۶	۱۴/۴	۱۸/۹	۳/۱	۰/۷	۳/۱	۱۸/۹	۱/۷	-۰/۱
	۱۳۷۷	۱۷/۳	۳۴/۶	-/۰	۰/۷	-/۰	۳۴/۶	۰/۹	-۰/۱
برنامه سوم	۱۳۷۸	۱۵/۹	۲۲/۳	۱/۲	۲/۱	۱/۲	۲۲/۳	-۲/۲	-۰/۱
	۱۳۷۹	۱۰/۶	۱۴/۱	۳/۵	۲/۱	۳/۵	۱۴/۱	-۰/۵	-۰/۱
	۱۳۸۰	۹/۶	۱۸/۰	۱/۲	۲/۱	۱/۲	۱۸/۰	-۲/۵	-۰/۱
	۱۳۸۱	۱۳/۹	۳۱/۰	۴/۰	۲/۱	۴/۰	۳۱/۰	۲/۸	-۰/۱
	۱۳۸۲	۱۳/۸	۱۷/۹	۱/۶	۲/۱	۱/۶	۱۷/۹	۳/۲	-۰/۱
برنامه چهارم	۱۳۸۳	۱۳/۶	۲۶/۲	۴/۲	۰/۲	۴/۲	۲۶/۲	-۲/۴	-۰/۴
	۱۳۸۴	۱۰/۵	۱۲/۸	۲/۰	۰/۲	۲/۰	۱۲/۸	-۲/۷	-۰/۴
	۱۳۸۵	۱۲/۲	۱۱/۱	-۲/۸	۰/۲	-۲/۸	۱۱/۱	-۲/۲	-۰/۴
	۱۳۸۶	۱۲/۸	۱۸/۸	-۲/۷	۰/۲	-۲/۷	۱۸/۸	۴/۱	-۰/۴
	۱۳۸۷	۱۲/۳	۱۲/۰	-/۳	۰/۲	-/۳	۱۲/۰	۵/۶	-۰/۴
۱۳۸۸	۹/۰	۱/۹	-۵/۶	۰/۲	-۵/۶	۱/۹	-۳/۱	-۰/۴	

جدول شماره (۴). درصد تغییر در شاخص‌های فقر در مناطق روستایی کشور در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله

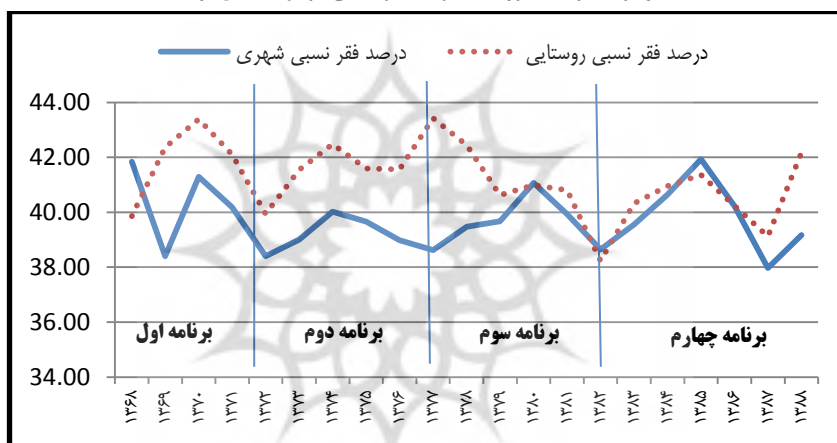
عنوان	سال	فقر مطلق				فقر نسبی			
		خط فقر		نسبت شکاف فقر		خط فقر		درصد فقرا	
		افزایش سالانه	میانگین افزایش	نرخ بهبود سالانه	میانگین نرخ بهبود	افزایش سالانه	میانگین افزایش	نرخ بهبود سالانه	میانگین نرخ بهبود
برنامه اول	۱۳۶۸	-	-	-	-	-	-	-	-
	۱۳۶۹	۸/۲	۲۱/۰	-۳/۵	-۰/۷	-۳/۵	۲۱/۰	-۶/۳	-۰/۲
	۱۳۷۰	۱۴/۷	۲۰/۱	-۱/۷	-۰/۷	-۱/۷	۲۰/۱	-۲/۴	-۰/۲
	۱۳۷۱	۲۱/۳	۲۱/۳	۱/۲	-۰/۷	۱/۲	۲۱/۳	۳/۰	-۰/۲
	۱۳۷۲	۲۳/۱	۱۹/۴	-۱/۴	-۰/۷	-۱/۴	۱۹/۴	۵/۱	-۰/۲
برنامه دوم	۱۳۷۳	۴۳/۰	۴۸/۳	۷/۴	۰/۶	۷/۴	۴۸/۳	-۴/۰	-۱/۷
	۱۳۷۴	۵۳/۰	۴۹/۸	-۵/۳	۰/۶	-۵/۳	۴۹/۸	-۲/۲	-۱/۷
	۱۳۷۵	۲۶/۱	۱۶/۰	۱/۶	۰/۶	۱/۶	۱۶/۰	۲/۱	-۱/۷
	۱۳۷۶	۳۲/۵	۲۲/۴	-/۹	۰/۶	-/۹	۲۲/۴	۰/۱	-۱/۷
	۱۳۷۷	۱۷/۷	۳۴/۱	-۱/۲	۰/۶	-۱/۲	۳۴/۱	-۴/۵	-۱/۷
برنامه سوم	۱۳۷۸	۱۷/۰	۱۹/۵	۵/۱	۳/۷	۵/۱	۱۹/۵	۲/۳	۲/۵
	۱۳۷۹	۱۷/۲	۱۴/۷	-۰/۲	۳/۷	-۰/۲	۱۴/۷	۴/۳	۲/۵
	۱۳۸۰	۱۲/۸	۱۱/۱	۱/۲	۳/۷	۱/۲	۱۱/۱	-۰/۹	۲/۵
	۱۳۸۱	۱۷/۶	۲۴/۲	۲/۵	۳/۷	۲/۵	۲۴/۲	۰/۴	۲/۵
	۱۳۸۲	-۶/۶	۱۹/۳	۱۰/۲	۳/۷	۱۰/۲	۱۹/۳	۶/۳	۲/۵

-۱/۶	-۵/۵	۱۳/۸	۲۸/۶	-۰/۳	۱/۷	-۵/۶	۱۵/۹	۱۶/۲	۱۳/۵	۱۳۸۳	برنامه چهارم
	-۱/۵		۱۱/۱		-۰/۶		-۳۱/۱		۳۰/۶	۱۳۸۴	
	-۱/۰		۱۰/۰		-۱/۱		-۱/۱		۱۰/۶	۱۳۸۵	
	۳/۷		۱۴/۳		-۰/۳		۵/۲		۱۴/۰	۱۳۸۶	
	۲/۸		۱۰/۹		-۲/۸		-۱۳/۹		۲۳/۲	۱۳۸۷	
	-۷/۸		۹/۱		۱/۱		-۱/۰		۷/۱	۱۳۸۸	

### ۶. فقر نسبی در برنامه‌های توسعه

در این قسمت فقر نسبی طی برنامه‌های مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل این قسمت با کمک گرفتن از نمودار زیر، جدول شماره (۱)، جدول شماره (۲) و جدول شماره (۳) صورت پذیرفته است.

نمودار شماره (۱). روند تغییرات فقر نسبی در برنامه‌های توسعه



خط فقر نسبی در مناطق شهری از مبلغ ۱۳۴۷۰۹۳ ریال در سال اول برنامه اول با بیش از ۴۳ برابر افزایش، به ۵۸۰۰۳۸۸۳ ریال در انتهای برنامه چهارم رسیده است. خط فقر نسبی شهری به‌طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، حدود ۲۱ درصد افزایش داشته است. در مناطق روستایی نیز خط فقر نسبی در ابتدای برنامه اول توسعه ۸۶۶۰۹۳ ریال بوده که با حدود ۴۴ برابر افزایش در انتهای برنامه چهارم به ۳۸۰۶۲۳۷۵ ریال رسیده است. خط فقر نسبی روستایی همانند مناطق شهری به‌طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، حدود ۲۱ درصد افزایش داشته است.

در برنامه اول، فقر نسبی در مناطق روستایی از ۳۹/۸۶ درصد در سال اول به ۳۹/۹۴ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان این دوره پنج‌ساله، فقر



نسبی روستایی نسبت به ابتدای دوره، تغییر محسوسی نداشته است. فقر نسبی در مناطق شهری کشور از ۴۱/۸۴ درصد در سال اول به ۳۸/۴۱ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر نسبی شهری کشور نسبت به ابتدای دوره، حدود ۸ درصد بهتر شده است. میانگین فقر نسبی در این برنامه در مناطق روستایی ۴۱/۸۵ درصد و در مناطق شهری ۴۱/۱۶ درصد بوده است. فقر نسبی در برنامه اول به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۱/۹ درصد کاهش و در مناطق روستایی ۰/۲ درصد افزایش داشته است.

در برنامه دوم، فقر نسبی در مناطق روستایی از ۴۱/۵۵ درصد در سال اول به ۴۳/۴۳ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان این دوره پنج ساله، فقر نسبی روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، حدود ۵ درصد بدتر نیز شده است. فقر نسبی در مناطق شهری از ۳۹ درصد در سال اول به ۳۸/۶۲ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر نسبی شهری نسبت به ابتدای دوره، فقط کمتر از یک درصد کمتر شده است. میانگین فقر نسبی در این برنامه در مناطق روستایی ۴۲/۱۲ درصد و در مناطق شهری ۳۹/۲۶ درصد بوده است. فقر نسبی در برنامه دوم به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۰/۱ درصد و در مناطق روستایی ۱/۷ درصد افزایش داشته است.

در برنامه سوم فقر نسبی در مناطق روستایی از ۴۲/۴۵ درصد در سال اول به ۳۸/۲۴ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره پنج ساله، فقر نسبی روستایی نسبت به ابتدای دوره، حدود ۱۰ درصد کمتر شده است. فقر نسبی در مناطق شهری از ۳۹/۴۸ درصد در سال اول به ۳۸/۶۴ درصد در سال آخر کاهش یافته است. یعنی در پایان دوره، فقر نسبی شهری نسبت به ابتدای دوره، فقط حدود ۲ درصد بهتر شده است. میانگین فقر نسبی در این برنامه در مناطق روستایی ۴۰/۶۲ درصد و در مناطق شهری برنامه ۳۹/۷۶ درصد بوده است. فقر نسبی در برنامه سوم به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۰/۱ درصد افزایش و در مناطق روستایی ۲/۵ درصد کاهش داشته است.

در برنامه چهارم فقر نسبی در مناطق روستایی از ۴۰/۳۳ درصد در سال اول به ۴۲/۱۸ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر نسبی



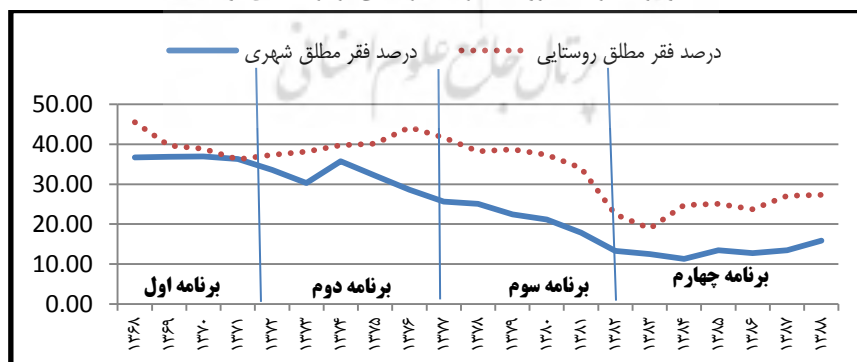
روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، حدود ۵ درصد بدتر نیز شده است. فقر نسبی در مناطق شهری از ۳۹/۵۶ درصد در سال اول به ۳۹/۱۷ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر نسبی شهری کشور نسبت به ابتدای دوره، کمتر از یک درصد بهبود پیدا کرده است. میانگین فقر نسبی در این برنامه در مناطق روستایی ۴۰/۷۰ درصد و در مناطق شهری ۳۹/۹۲ درصد بوده است. فقر نسبی در برنامه چهارم به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۰/۴ درصد و در مناطق روستایی ۱/۶ درصد افزایش داشته است.

تغییرات فقر نسبی در برنامه اول تا چهارم روند ثابتی نداشته و با فرازونشیب همراه بوده است. در یک سال افزایش، در سال دیگر کاهش و این روند تکرار شده است. درصد فقر نسبی بین دو عدد ۳۸ و ۴۴ و در اطراف عدد ۴۰ در نوسان بوده است. به نظر می‌رسد در هیچ‌یک از برنامه‌های توسعه، نحوه توزیع درآمد نه در مناطق روستایی و نه در مناطق شهری مورد توجه نبوده و فقر نسبی تغییر محسوسی در طول این برنامه‌ها نداشته است. تقریباً در تمام سال‌ها میزان فقر نسبی روستایی بیشتر از فقر نسبی شهری بوده است.

#### ۷. فقر مطلق در برنامه‌های توسعه

در این قسمت فقر مطلق در برنامه‌های مختلف توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل این قسمت با کمک گرفتن از نمودار شماره (۲)، جداول شماره (۱)، (۲) و (۳) انجام شده است.

نمودار شماره (۲). روند تغییرات فقر مطلق در برنامه‌های توسعه



خط فقر مطلق در مناطق شهری از مبلغ ۱۳۷۲۱۶۹ ریال در سال اول برنامه اول با بیش از ۲۵ برابر افزایش به ۳۴۷۲۰۴۵۲ ریال در انتهای برنامه چهارم رسیده است؛ یعنی خط فقر مطلق شهری به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، حدود ۱۸ درصد افزایش داشته است. در مناطق روستایی نیز خط فقر مطلق در ابتدای برنامه اول توسعه ۹۲۶۵۱۱ ریال بوده که با حدود ۳۳ برابر افزایش در انتهای برنامه سوم به ۳۰۹۲۳۶۷ ریال رسیده است. یعنی خط فقر مطلق روستایی به طور میانگین، هر سال نسبت به سال قبل، حدود ۱۹ درصد افزایش داشته است.

در برنامه اول، فقر مطلق در مناطق روستایی از ۴۵/۵۰ درصد در سال اول به ۳۷/۳۹ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره پنج ساله، فقر مطلق روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، حدود ۱۸ درصد بهبود پیدا کرده است. فقر مطلق در مناطق شهری از ۳۶/۷۳ درصد در سال اول به ۳۳/۵۹ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر مطلق شهری نسبت به ابتدای دوره، حدود ۹ درصد بهبود پیدا کرده است. میانگین فقر مطلق در این برنامه در مناطق روستایی ۳۹/۸ درصد و در مناطق شهری ۳۶/۹۰ درصد بوده است. فقر مطلق در برنامه اول به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۱/۵ درصد و در مناطق روستایی ۴/۵ درصد کاهش داشته است.

در برنامه دوم، فقر مطلق در مناطق روستایی از ۳۸/۱۲ درصد در سال اول به ۴۱/۶۸ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان دوره پنج ساله، فقر مطلق روستایی نسبت به ابتدای دوره، حدود ۹ درصد بدتر نیز شده است. فقر مطلق در مناطق شهری از ۳۰/۳۲ درصد در سال اول به ۲۵/۶۳ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر مطلق شهری نسبت به ابتدای دوره، حدود ۱۵ درصد کمتر شده است. میانگین فقر مطلق در این برنامه در مناطق روستایی ۴۰/۸ درصد و در مناطق شهری ۳۰/۵ درصد بوده است. فقر مطلق در برنامه دوم به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۰/۴ درصد کاهش و در مناطق روستایی ۲/۵ درصد افزایش داشته است.

در برنامه سوم فقر مطلق در مناطق روستایی از ۳۸/۲۳ درصد در سال اول به ۲۲/۴۷ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره پنج ساله، فقر

مطلق روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، بیش از ۴۱ درصد کمتر شده است. فقر مطلق در مناطق شهری از ۲۵/۰۹ درصد در سال اول به ۱۳/۲۹ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر مطلق شهری نسبت به ابتدای دوره، بیش از ۴۷ درصد کمتر شده است. میانگین فقر مطلق در این برنامه در مناطق روستایی ۳۴/۱۷ درصد و در مناطق شهری ۱۹/۹۷ درصد بوده است. فقر مطلق در برنامه سوم به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۱۱/۶ درصد و در مناطق روستایی ۱۰ درصد کاهش داشته است.

در برنامه چهارم، فقر مطلق در مناطق روستایی از ۱۸/۸۹ درصد در سال اول به ۲۷/۳۳ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان این دوره شش ساله، فقر مطلق روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، حدود ۴۵ درصد بدتر شده است. فقر مطلق در مناطق شهری از ۱۲/۵ درصد در سال اول به ۱۵/۹ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، فقر مطلق شهری کشور نسبت به ابتدای دوره، بیش از ۲۷ درصد بدتر شده است. میانگین فقر مطلق در این برنامه در مناطق روستایی ۲۴/۴۷ درصد و در مناطق شهری ۱۳/۲۲ درصد بوده است. فقر مطلق در برنامه چهارم به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۴/۴ درصد و در مناطق روستایی ۵/۶ درصد افزایش داشته است.

در طول تمام برنامه‌های توسعه فوق، درصد فقر مطلق روستایی از درصد فقر مطلق شهری بیشتر بوده است. بیشترین میزان تغییر مثبت فقر مطلق در این مناطق مربوط به برنامه سوم و بیشترین تغییر منفی نیز در طول برنامه چهارم اتفاق افتاده است. بیشترین میزان تغییر مثبت در فقر مطلق در مناطق شهری مربوط به برنامه سوم و بیشترین تغییر منفی نیز در طول برنامه چهارم اتفاق افتاده است.

#### ۸. شکاف فقر در برنامه‌های مختلف

در این قسمت شکاف فقر در برنامه‌های مختلف توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد. تحلیل این قسمت با کمک گرفتن از نمودار شماره (۳) و جداول شماره (۱)، (۲) و (۳) انجام شده است. در برنامه اول توسعه، نسبت شکاف فقر در مناطق روستایی از ۴۳/۵ درصد در سال اول به ۴۴/۶ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در

پایان این دوره پنج‌ساله، شکاف فقر روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، حدود ۲ درصد بیشتر شده است. نسبت شکاف فقر در مناطق شهری از ۴۰/۷ درصد در سال اول به ۳۵/۶ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، نسبت به ابتدای دوره، بیش از ۱۲ درصد از شکاف فقر کمتر شده است. میانگین نسبت شکاف فقر در این برنامه در مناطق روستایی ۴۵ درصد و در مناطق شهری ۳۸/۷ درصد بوده است. شکاف فقر مطلق در برنامه اول به‌طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۳/۱ درصد کاهش و در مناطق روستایی ۰/۷ درصد افزایش داشته است.

در برنامه دوم نسبت شکاف فقر در مناطق روستایی از ۴۱/۳ درصد در سال اول به ۴۲/۹ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان این دوره پنج‌ساله، شکاف فقر روستایی نسبت به ابتدای دوره، حدود ۴ درصد بیشتر شده است. نسبت شکاف فقر در مناطق شهری در سال اول برابر با سال آخر و حدود ۳۴/۲ درصد بوده است. میانگین نسبت شکاف فقر در این برنامه در مناطق روستایی ۴۳ درصد و در مناطق شهری ۳۵ درصد بوده است. شکاف فقر مطلق در برنامه دوم به‌طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل در مناطق شهری ۰/۷ درصد و در مناطق روستایی ۰/۶ درصد کاهش داشته است.

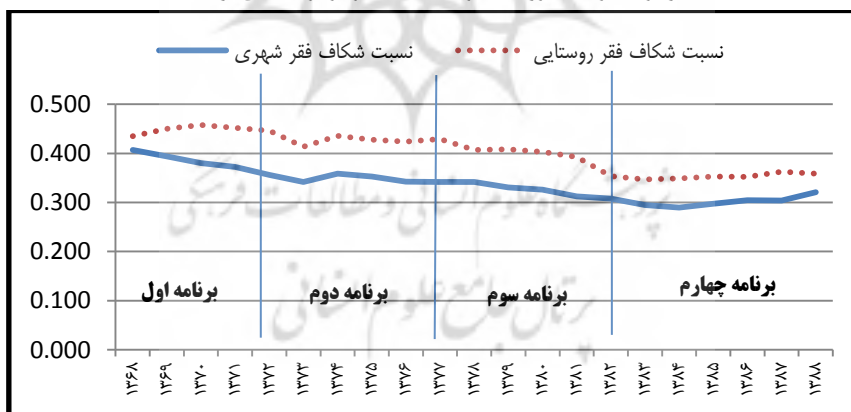
در برنامه سوم نسبت شکاف فقر در مناطق روستایی از ۴۰/۷ درصد در سال اول به ۳۵/۳ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره پنج‌ساله، شکاف فقر روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، بیش از ۱۳ درصد کمتر شده است. نسبت شکاف فقر در مناطق شهری از ۳۴/۲ درصد در سال اول به ۳۰/۸ درصد در سال آخر کاهش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، شکاف فقر شهری نسبت به ابتدای دوره، حدود ۱۰ درصد کمتر شده است. میانگین نسبت شکاف فقر در این برنامه در مناطق روستایی ۳۹ درصد و در مناطق شهری ۳۲ درصد بوده است. نسبت شکاف فقر مطلق در برنامه سوم به‌طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل، در مناطق شهری ۲/۱ درصد و در مناطق روستایی ۳/۷ درصد کاهش داشته است.

در برنامه چهارم نسبت شکاف فقر در مناطق روستایی از ۳۴/۷ درصد در سال

اول به ۳۵/۸ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان این دوره شش ساله، شکاف فقر روستایی کشور نسبت به ابتدای دوره، حدود ۳ درصد بیشتر شده است. در برنامه چهارم نسبت شکاف فقر در مناطق شهری از ۲۹/۵ درصد در سال اول به ۳۲/۱ درصد در سال آخر افزایش یافته است؛ یعنی در پایان دوره، شکاف فقر شهری کشور نسبت به ابتدای دوره، نزدیک به ۱۰ درصد بدتر شده است. میانگین نسبت شکاف فقر در این برنامه در مناطق روستایی ۳۵ درصد و در مناطق شهری ۳۰/۲ درصد بوده است. شکاف فقر مطلق در برنامه چهارم به طور میانگین هر سال نسبت به سال قبل در مناطق شهری ۰/۲ درصد کاهش و در مناطق روستایی ۰/۳ درصد افزایش داشته است.

در طول برنامه‌های توسعه شکاف فقر روستایی از شکاف فقر شهری بیشتر بوده است. بیشترین میزان تغییر مثبت در شکاف فقر در این مناطق، در برنامه سوم و بیشترین تغییر منفی در طول برنامه دوم اتفاق افتاده است. در مناطق شهری نیز بیشترین میزان تغییر مثبت در شکاف فقر در برنامه اول و بیشترین تغییر منفی در طول برنامه چهارم اتفاق افتاده است.

نمودار شماره (۳). روند تغییرات شکاف فقر در برنامه‌های توسعه



## ۹. تحلیل نتایج

در طول برنامه سوم، شاخص‌های فقر به صورت قابل توجهی بهبود یافته‌اند، ولی سایر برنامه‌ها موفقیت چشمگیری در این زمینه نداشته‌اند. البته در برنامه اول و دوم

توسعه ممکن است یک شاخص کاهش پیدا کرده باشد، ولی در مقابل شاخص‌های دیگر افزایش یافته‌اند. در زمینه بهبود شاخص‌های فقر، برنامه چهارم در مقایسه با سایر برنامه‌ها ضعیف‌ترین برنامه بوده است. اگر به میانگین تغییر سالانه شاخص‌های فقر در کل دوره (۸۸-۱۳۶۸) نگاه کنیم، مشاهده می‌شود که در بهبود محسوس شاخص‌های فقر ناموفق بوده‌ایم (به‌استثنای درصد فقر مطلق در مناطق شهری).

با پایان جنگ در سال ۱۳۶۷، افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی در طول جنگ اول خلیج فارس و آغاز بازسازی کشور در سال ۱۳۶۸، فقر رو به کاهش گذاشت. این کاهش در اواسط دهه ۱۳۷۰، در نتیجه برنامه تعدیل ساختاری، به‌طور موقت متوقف شد. درآمدهای نفتی در نیمه دوم دهه ۱۳۷۰ افت کرد (قیمت نفت در ۱۳۷۷ یک‌سوم قیمت سال ۱۳۷۰ بود) و مهم‌تر از آن اینکه واردات کالا برای مقابله با بحران پرداخت‌ها به کمتر از نصف کاهش یافت. آنچه بیش از همه جلب نظر می‌کند، تأثیر متفاوت رخدادهای اقتصادی بعد از جنگ در مناطق روستایی و شهری کشور است. درحالی‌که روند این تأثیرات در مناطق شهری تا حدودی یکنواخت بوده، برعکس در مناطق روستایی با فرازونشیب فراوانی همراه بوده است.

#### ۹-۱. مناطق شهری

با مبنا قرار دادن شاخص فقر مطلق، بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری را می‌توان در دو مقطع (دوره زمانی) مجزا مورد بررسی قرار داد. دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۶۸ تا سال ۱۳۸۴ (از ابتدای برنامه اول تا تقریباً انتهای برنامه سوم) که روند تغییرات شاخص فقر مطلق نزولی بوده (مثبت) و دوره زمانی بعد از سال ۱۳۸۴ (برنامه چهارم) که روند تغییرات این شاخص صعودی (منفی) بوده است.

فقر مطلق در نتیجه سیاست‌های اعمال شده در دوران پس از جنگ در مناطق شهری تا سال ۱۳۸۴ روندی کاهشی داشته است. البته تورم کمرشکن سال ۱۳۷۴ این روند را به‌طور موقت متوقف کرد، اما به‌زودی روند کاهشی خود را باز یافت. در این مدت (۸۴-۱۳۶۸) میانگین مخارج خانوارها (خط فقر نسبی) متناسب با تورم (خط فقر مطلق) تغییر کرده است. در خلال این دوره خط فقر مطلق و خط

فقر نسبی، سالانه به طور متوسط ۲۳ درصد افزایش یافته‌اند. در این مدت توزیع درآمد جامعه (فقر نسبی) بدون تغییر باقی مانده ولی توزیع درآمد در بین فقرا (شکاف فقر) با بهبود همراه بوده است؛ یعنی در خلال دوره، نسبت شکاف فقر سالانه به طور متوسط بیش از ۲ درصد کاهش یافته است. در این مدت میانگین تولید ناخالص داخلی سرانه، رشدی حدود ۵ درصد در سال داشته است. این نرخ رشد اقتصادی و سایر عوامل، دست به دست هم داده تا درصد فقر مطلق در این مدت، سالانه به طور متوسط بیش از ۶ درصد کاهش یابد. موفقیت در کاهش فقر، اگرچه دستاورد مهمی بوده است، ولی این کاهش به نابرابری تسری نمی‌یابد. در خلال این دوره، نابرابری (فقر نسبی) در جامعه ثابت باقی مانده و سیاست‌های اعمال شده نتوانسته است بهبودی محسوس و پایدار در توزیع درآمد جامعه ایجاد کند. در مجموع، سیاست‌های اجرا شده در دوره ۸۴-۱۳۶۸ در راستای بهبود وضعیت فقرا در مناطق شهری تا حدودی موفق عمل کرده است.

در دوره زمانی بین سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۸۸ وضعیت به گونه‌ای دیگر بوده و فقر مطلق در نتیجه سیاست‌های اعمال شده، روندی افزایشی داشته است. البته بهبود حاصله در سال ۱۳۸۶ موقتی بوده و به زودی به روند افزایشی خود بازگشته است. در این مدت میانگین مخارج خانوارها (خط فقر نسبی) نتوانسته متناسب با تورم (خط فقر مطلق) تغییر کند. در خلال دوره، تورم موجود، خط فقر مطلق را سالانه به طور متوسط بیش از ۱۴ درصد افزایش داده و در واکنش به این تورم، میانگین مخارج اسمی، کمتر از ۱۱ درصد افزایش یافته است. این موضوع و مجموعه عواملی که در به وجود آمدن چنین وضعیتی نقش داشته‌اند، باعث شده که اثر منفی چنین تغییری در زندگی فقرا به وضوح دیده شود. هر سال نسبت به سال قبل به طور متوسط تعداد فقرا را حدود ۱۰ درصد افزایش داده و آنان را سالانه حدود ۳ درصد از خط فقر دورتر کرده است. البته بهبود اندکی در توزیع درآمد در این مدت وجود داشته که قابل چشم‌پوشی بوده و نتوانسته اثر مثبت محسوسی بر وضعیت فقر مطلق داشته باشد. در مجموع، سیاست‌های اعمال شده در خلال دوره ۸۸-۱۳۸۵ هم تعداد فقرا را در مناطق شهری کشور افزایش داده و هم وضعیت معیشتی این فقرا را مشکل‌تر کرده است. برآیند اوضاع اقتصادی کشور در این دوره به گونه‌ای بود که

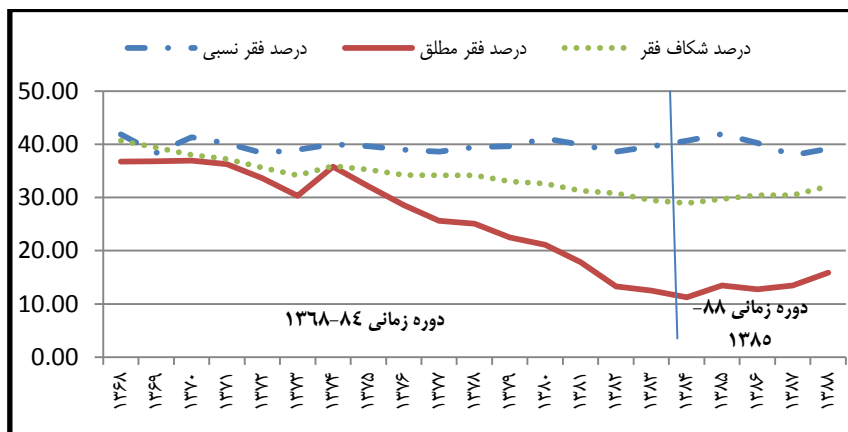


انتظار می‌رفت باعث بهبود قابل توجه شاخص‌های فقر شود. در این مدت (۸۸-۱۳۸۵) نسبت به دوره قبل (۸۴-۱۳۶۸)، نرخ رشد اقتصادی با افزایشی قابل توجه و نرخ بیکاری و تورم با کاهش مواجه بوده‌اند؛ با این وجود، به نظر می‌رسد سیاست‌های اعمال شده در این دوران در جهتی بوده که باعث شده تغییرات مثبت متغیرهای اقتصادی در بهبود زندگی آحاد جامعه به ویژه اقشار آسیب‌پذیر، بی‌تأثیر باشد.

جدول شماره (۴). میانگین تغییر شاخص‌های فقر و تعدادی از متغیرهای اقتصادی در مناطق شهری کشور

دوره	سال	فقر مطلق		فقر نسبی		رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)		نرخ بیکاری و تورم (درصد)	
		درصد افزایش خط فقر		بهبود درصد فقر		تورم		بیکاری	
		میانگین دوره	سالانه	میانگین دوره	سالانه	میانگین دوره	سالانه	میانگین دوره	سالانه
۱۳۶۸-۸۴	۱۳۶۸								
	۱۳۶۹	۵/۸	۳/۲	۸/۲	۲۱/۰		۲۰/۶	۲۰/۶	
	۱۳۷۰	۲۲/۰	۳/۵	-۷/۵	۱۳/۰		۱۱/۴		
	۱۳۷۱	۲۱/۱	۲/۳	۲/۷	۲۴/۲		-		
	۱۳۷۲	۲۲/۰	۴/۴	۲/۴	۲۲/۸		-		
	۱۳۷۳	۳۹/۳	۹/۷	-۱/۶	۴۶/۵		-		
	۱۳۷۴	۴۸/۷	-۱۸/۰	-۲/۶	۴۵/۸		-		
	۱۳۷۵	۲۲/۷	۱۰/۱	-۰/۹	۲۹/۵		۸/۸		
	۱۳۷۶	۱۴/۴	۱۱/۰	۱/۷	۱۸/۹		۱۲/۷		
	۱۳۷۷	۱۷/۲	۱۰/۴	۱/۷	۲۴/۶		۱۳/۱		
	۱۳۷۸	۱۵/۹	۲/۱	-۲/۲	۲۲/۳		۱۴/۰		
	۱۳۷۹	۱۰/۶	۱۰/۴	-۰/۵	۱۴/۱		۱۴/۹		
	۱۳۸۰	۹/۶	۵/۹	-۳/۵	۹/۸		۱۴/۸		
	۱۳۸۱	۱۳/۹	۱۵/۵	۲/۸	۲۱/۰		۱۴/۳		
۱۳۸۲	۱۳/۸	۲۵/۶	۳/۲	۱۷/۹		۱۲/۸			
۱۳۸۳	۱۳/۶	۶/۰	-۲/۴	۲۶/۲		۱۲/۳			
۱۳۸۴	۱۰/۵	۹/۸	-۲/۷	۱۲/۸		۱۳/۸			
۱۳۸۵-۸۸	۱۳۸۵	۱۲/۲	-۱۹/۶	-۳/۲	۱۱/۱		۱۳/۴	۱۳/۴	
	۱۳۸۶	۱۲/۸	۵/۴	۱/۴	۱۸/۸		۱۲/۵	۱۲/۵	
	۱۳۸۷	۲۳/۳	-۵/۵	۵/۶	۱۲/۰		۱۲/۰	۱۲/۰	
	۱۳۸۸	۹/۰	-۱۸/۲	-۳/۲	۱/۹		۱۳/۵	۱۳/۵	

نمودار شماره (۴). روند تغییرات شاخص‌های فقر در مناطق شهری کشور



## ۹-۲. مناطق روستایی

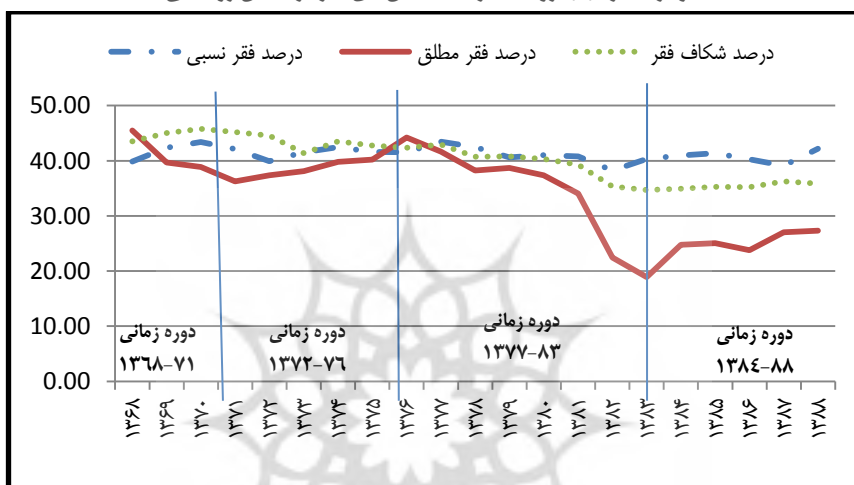
در این مناطق به لحاظ تغییرات مشاهده شده در فقر مطلق، این دوره را می‌توان در چهار بخش متفاوت مورد توجه قرار داد. فقر مطلق در دوره نخست (۷۱-۱۳۶۸) روندی کاهشی، در دوره دوم (۷۶-۱۳۷۲) روندی افزایشی، در دوره سوم (۸۳-۱۳۷۷) روندی کاهشی و در دوره چهارم (۸۸-۱۳۸۴) نیز روندی افزایشی داشته است.

جدول شماره (۵). میانگین تغییر شاخص‌های فقر و تعدادی از متغیرهای اقتصادی در مناطق روستایی کشور

دوره	سال	فقر مطلق			فقر نسبی			رشد تولید ناخالص داخلی (درصد)		بیکاری و تورم (درصد)		
		درصد افزایش خط فقر	بهبود درصد فقر	بهبود نسبت شکاف فقر	درصد افزایش خط فقر	بهبود درصد فقر	میانگین دوره	سالانه	تورم	بیکاری	بیکاری و تورم (درصد)	
											میانگین دوره	سالانه
۱۳۶۸-۷۱	۱۳۶۸									۶/۳	۱۷/۴	
	۱۳۶۹	۸/۲	۱۲/۸	-۳/۵	۲۱/۰	-۶/۳	۴/۰	۱۷/۹	۶/۳	۹/۰	۲۲/۹	
	۱۳۷۰	۱۴/۷	۱/۲	-۱/۷	۲۰/۱	-۲/۴	۴/۴	۲۰/۷	۱۲/۳	۲۰/۷	۲۰/۷	
۱۳۷۱-۷۶	۱۳۷۱	۲۱/۳	۶/۷	۱/۲	۲۱/۳	۲/۰	۴/۵	۴/۱		۲۴/۴	۲۲/۹	
	۱۳۷۲	۲۳/۱	-۳/۱	۱/۴	۱۹/۴	۵/۱	۴/۵	۲۲/۹		۳۵/۲	۲۲/۹	
	۱۳۷۳	۴۲/۰	-۲/۰	۷/۳	۴۸/۳	-۴/۰	۴/۵	۲۲/۹		۳۵/۲	۲۲/۹	
۱۳۷۴-۷۶	۱۳۷۴	۵۳/۰	-۴/۴	-۵/۳	۴۹/۸	-۲/۲	۴/۵	۲۲/۹	۱۱/۴	۴۹/۴	۲۲/۹	
	۱۳۷۵	۲۶/۱	-۱/۰	۱/۸	۱۶/۰	۱/۲	۴/۷	۲۲/۹	۹/۱	۲۲/۲	۲۲/۹	
	۱۳۷۶	۳۲/۵	-	۰/۹	۲۲/۴	۰/۱	۴/۸	۲۲/۹	۱۳/۶	۱۷/۳	۲۲/۹	
۱۳۷۷-۸۳	۱۳۷۷	۱۷/۷	۵/۸	-۱/۳	۳۴/۱	-۴/۵	۴/۸	۵/۳	۱۱/۳	۱۸/۱	۲۲/۹	
	۱۳۷۸	۱۷/۰	۸/۳	۵/۱	۱۹/۵	۲/۳	۴/۸	۵/۳	۱۳/۰	۲۰/۱	۲۲/۹	
	۱۳۷۹	۱۷/۲	-۱/۲	-۰/۲	۱۴/۷	۳/۴	۵/۰	۵/۳	۱۳/۴	۱۲/۶	۲۲/۹	
۱۳۸۰-۸۸	۱۳۸۰	۱۴/۸	۳/۴	۱/۲	۱۱/۸	-۰/۹	۵/۱	۵/۳	۱۱/۴	۱۱/۴	۲۲/۹	
	۱۳۸۱										۲۲/۹	
	۱۳۸۲										۲۲/۹	

	۱۰/۹	۱۵/۸	۵/۴	-۱/۵	۲۴/۲	۲/۵	۸/۸	۱۷/۶	۱۳۸۱
	۱۰/۱۰	۱۵/۶	۵/۷	۶/۳	۱۹/۳	۱۰/۱	۳۴/۰	-۶/۶	۱۳۸۲
	۶/۸	۱۵/۲	۶/۰	-۵/۴	۲۸/۶	۱/۸	۱۵/۹	۱۳/۵	۱۳۸۳
۷۳	۷/۱	۱۰/۴	۶/۳	-۱/۶	۱۱/۱	-۰/۷	۳۱/۱	۳۰/۶	۱۳۸۴
	۷/۱	۱۱/۹	۶/۶	-۱/۰	۱۰/۰	-۱/۰	-۱/۱	۱۰/۶	۱۳۸۵
	۶/۶	۱۸/۴	۷/۰	۲/۷	۱۴/۳	۰/۲	۵/۲	۱۴/۰	۱۳۸۶
	۷/۲	۳۵/۴	۷/۵	۲/۸	۱۰/۹	-۳/۰	۱۳/۹	۲۳/۲	۱۳۸۷
	۸/۳	۱۰/۸	۷/۵	-۷/۸	۹/۱	۱/۱	-۱/۰	۷/۱	۱۳۸۸

نمودار شماره (۵). روند تغییرات شاخص های فقر در مناطق روستایی



در دوره اول (۱۳۶۸-۷۱) فقر مطلق در نتیجه سیاست های اعمال شده در سال های ابتدایی پس از جنگ در مناطق روستایی روندی کاهشی داشته است (برنامه اول). در این مدت، تولید ناخالص داخلی سرانه، رشدی بیش از ۴ درصد در هر سال داشته است. این نرخ رشد اقتصادی و سایر عوامل، دست به دست هم داده تا درصد فقر مطلق در این مدت سالانه به طور متوسط بیش از ۷ درصد کاهش یابد. تورم موجود در خلال این دوره، خط فقر مطلق را سالانه به طور متوسط حدود ۱۴ درصد افزایش داده و در واکنش به این تورم، میانگین مخارج اسمی (خط فقر نسبی)، نزدیک به ۲۱ درصد افزایش یافته است که به نظر می رسد دلیل اصلی بهبود وضعیت فقر مطلق در این دوره در مناطق روستایی باشد. موفقیت در کاهش درصد فقرا، قابل تسری به نابرابری نیست. در این مدت توزیع درآمد (فقر نسبی) سالانه به طور متوسط حدود ۲ درصد و شکاف فقر بیش از ۱ درصد افزایش یافته است. چنین به نظر می رسد که بخشی از هزینه های مربوط به کاهش تعداد فقرا را سایر

افراد جامعه روستایی و از جمله فقراى دیگر پرداخت کرده‌اند.

در دوره زمانى بین سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۷۶ وضعیت به گونه‌ای دیگر بوده و فقر مطلق در مناطق روستایی در نتیجه سیاست‌های اعمال شده در این دوران، روندی افزایشی داشته است (برنامه دوم). نسبت به دوره قبل (۷۱-۱۳۶۸)، در خلال این دوره که به دوره تعدیل ساختاری نیز معروف است، نرخ تورم بیش از ۶۵ درصد (از ۱۷/۹ درصد به ۲۹/۶ درصد) و نرخ بیکاری حدود ۶۹ درصد (از ۸/۳ درصد به ۱۱/۴ درصد) نسبت به دوره قبل (۷۱-۱۳۶۸) افزایش یافته است. تورم موجود در خلال دوره، خط فقر مطلق را سالانه به‌طور متوسط حدود ۳۵ درصد افزایش داده و در واکنش به این تورم، میانگین مخارج اسمی (خط فقر نسبی)، فقط حدود ۳۰ درصد افزایش یافته است. به‌نظر می‌رسد همه عوامل دست به دست هم داده تا وضعیت فقر را به‌شدت وخیم نمایند. اگرچه رشد ۶/۴ درصدی در تولید ناخالص سرانه کمک کرده تا درصد فقر مطلق در این مدت، سالانه فقط حدود ۴ درصد افزایش یابد. در ضمن شاخص شکاف فقر و فقر نسبی، اندکی بهبود یافته‌اند. در خلال دوره تعدیل ساختاری، آنچه در خور توجه بسیار بوده این است که وضعیت فقر مناطق روستایی کشور تحت تأثیر منفی و شدید این شرایط اقتصادی بوده ولی مناطق شهری از این شرایط نه‌تنها متضرر نشده بلکه در وضعیت مناسب‌تری نیز قرار گرفته‌اند (به‌استثنای سال ۱۳۷۴). مشاهده این نتایج این فرضیه را در ذهن متبادر می‌کند که برنامه‌ریزان مسئول، به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی کرده‌اند که هزینه‌های مربوط به سیاست‌های تعدیل ساختاری، متوجه شهرنشینان شده و روستاییان مجبور به پرداخت این هزینه‌ها شوند و این عقیده که سیاست‌های اجرا شده، علیه روستاییان و تبعیض‌آموز بوده را تقویت می‌کند.

در دوره سوم (۸۳-۱۳۷۷) فقر مطلق در نتیجه سیاست‌های اعمال شده، در مناطق روستایی روندی کاهشی داشته است (برنامه سوم). در خلال این دوره نرخ تورم بیش از ۴۷ درصد نسبت به دوره قبل کاهش یافته است (از ۲۹/۶ درصد به ۱۵/۵ درصد). تورم موجود در خلال دوره، خط فقر مطلق را سالانه به‌طور متوسط حدود ۱۲ درصد افزایش داده و در واکنش به این تورم، میانگین مخارج اسمی (خط فقر نسبی)، حدود ۲۲ درصد افزایش یافته است (تقریباً دو برابر). در این مدت،

تولید ناخالص داخلی سرانه، سالانه به طور متوسط رشدی معادل ۵/۳ درصد داشته است. این نرخ رشد و سایر عوامل مطرح شده در بالا (و عوامل دیگر) کمک کرده تا درصد فقر مطلق در این مدت، سالانه بیش از ۱۰ درصد کاهش یافته و فقرای روستایی کشور به طور متوسط سالانه حدود ۳ درصد به خط فقر نزدیکتر شوند. توزیع درآمد جامعه روستایی (فقر نسبی) نیز اندکی بهبود یافته که قابل توجه نیست. اگرچه شرایط اقتصادی این دوره نسبت به دوره قبل بهبود چشمگیری نداشته و نسبت به دوره بعد نیز از وضعیت به مراتب ضعیفتری برخوردار بوده، دستاورد آن در کاهش فقر قابل توجه است. در کل دوره مورد بررسی - در زمینه بهبود فقر - این دوره، دوره‌ای طلایی به حساب می‌آید.

در دوره زمانی بین سال ۱۳۸۴ تا سال ۱۳۸۸ وضعیت دوباره تغییر کرده و فقر مطلق در نتیجه سیاست‌های اعمال شده در این دوران، روندی افزایشی به خود گرفته است (برنامه چهارم). البته بهبود حاصله در سال ۱۳۸۶ موقتی بوده و دوباره به روند افزایشی خود بازگشته است. نسبت به دوره قبل (۸۳-۱۳۷۷)، نرخ رشد اقتصادی با افزایش قابل توجه و نرخ بیکاری با کاهش محسوسی مواجه بوده‌اند. سرانه تولید ناخالص داخلی به طور متوسط سالانه رشدی معادل ۷ درصد را در این دوره تجربه کرده است. اوضاع اقتصادی کشور در این دوره به گونه‌ای بوده که انتظار می‌رفت بهبود قابل توجهی را در شاخص‌های فقر مشاهده کنیم؛ با این حال در عمل اتفاق دیگری افتاده و در این مدت میانگین مخارج اسمی خانوارها (خط فقر نسبی) نتوانسته متناسب با تورم (خط فقر مطلق) تغییر کند. در خلال دوره، تورم موجود، خط فقر مطلق را سالانه به طور متوسط حدود ۱۷ درصد افزایش داده و در واکنش به این تورم، میانگین مخارج اسمی، فقط کمی بیش از ۱۱ درصد افزایش یافته است. این موضوع و مجموعه دیگری از عوامل در خلال این دوران (این عوامل باید شناسایی شوند)، تأثیر منفی و شدیدی بر وضعیت فقر جامعه داشته است و همه شاخص‌های فقر در این دوران افزایش یافته‌اند. به رغم شرایط اقتصادی به ظاهر مناسب، هر سال نسبت به سال قبل به طور متوسط تعداد فقرا بیش از ۹ درصد افزایش یافته و فاصله این فقرا نسبت به خط فقر هر سال بیش از سال قبل شده است. افزایش اندکی نیز در فقر نسبی در این مدت وجود داشته است. در مجموع،

سیاست‌های اعمال‌شده در خلال این دوره در مناطق روستایی، هم تعداد فقرا را افزایش داده و هم وضعیت معیشتی این فقرا را مشکل‌تر کرده است. افزایش میزان شاخص‌های فقر در سال‌های پایانی دوره مورد بررسی (۸۸-۱۳۸۴) در مناطق روستایی و شهری کشور، به‌رغم شرایط اقتصادی نسبتاً مناسب این دوره، موضوعی پیچیده و در خور توجه است. آگاهی از دلایل اصلی به‌وجود آمدن چنین وضعیتی، کمک شایانی به برنامه‌ریزان خواهد کرد تا در آینده از بروز چنین شرایطی جلوگیری کنند.

#### ۱۰. نقد برنامه‌های توسعه و میزان انطباق عملکرد این برنامه‌ها با اهداف

##### پیش‌بینی‌شده

با مرور برنامه‌های توسعه می‌توان گفت موارد مرتبط با فقرزدایی و توزیع درآمد در برنامه‌های اول تا سوم تنها به ذکر عناوین و احکام دستوری در حوزه‌های مختلفی چون خوراک، مسکن، اشتغال و... بسنده کرده و مشخص نمی‌کند که این برنامه‌ها کدام‌یک از جنبه‌های فقر را مورد توجه قرار داده است؟ برنامه اول در یک جا بهبود توزیع امکانات معیشتی و حفظ قدرت خرید نسبی کشاورزان را مورد توجه قرار می‌دهد و در جای دیگر گسترش آموزش عمومی مناطق محروم دیده شده است. برنامه دوم توسعه فقر و محرومیت‌زدایی را تحت عنوان عدالت اجتماعی مطرح می‌کند و هیچ‌گونه پیوند منطقی و اصولی به‌منظور تحقق عدالت اجتماعی در آن دیده نمی‌شود. در برنامه سوم نیز همانند برنامه‌های اول و دوم، به‌صورت اصولی، جایگاهی برای موضوع فقرزدایی در کشور لحاظ نشده است. در مجموع می‌توان گفت سیاست‌های فقرزدایی در برنامه‌های اول تا سوم حلقه‌های مجزای یک زنجیر بوده که ارتباط منطقی و ارگانیک مناسبی بین آنها دیده نمی‌شود. پراکندگی خط‌مشی‌ها و سیاست‌ها از ویژگی‌های بارز برنامه‌های اول تا سوم توسعه است.

برخلاف برنامه‌های پیشین در برنامه چهارم توسعه می‌توان یک سازوکار درونی مناسب و منطقی برای حل مسئله فقر مشاهده کرد. با نگاه به راهبردهایی همچون ارتقای امنیت غذا، ایجاد امنیت شغلی، توزیع عادلانه درآمدها، و تأمین نیازهای اساسی مردم از جمله مسکن، آموزش، بهداشت مشاهده می‌شود که گام

بزرگی در راستای کاهش فقر پیش‌بینی شده است. در برنامه چهارم برای نخستین بار حضور نهادها و مؤسسات غیردولتی در برنامه‌های فقرزدایی لحاظ شده است. با این وجود، این برنامه به دلیل عدم استنباط واحد از مقوله فقر و فقدان یک چارچوب منظم، منطقی و سیستماتیک و...، موفقیتی در حل معضل فقر نداشته است؛ بنابراین تأکید می‌شود که یکی از دلایل جدی ناکامی در حل معضل فقر در ایران، آشفتگی و فقدان یک نظام منطقی و هدفمند در سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه کشور است.

در مورد اهداف کمی باید گفت که هیچ‌گونه هدف کمی در زمینه فقر در برنامه‌های توسعه اول تا چهارم دیده نمی‌شود. در این برنامه‌ها به صورت کلی به ریشه‌کنی فقر، کاهش فاصله طبقاتی و توزیع عادلانه درآمد و ثروت اشاره شده است. البته در قانون برنامه چهارم اشاره شده است که خانوارهای زیر خط فقر مطلق تا پایان سال دوم برنامه باید تحت پوشش قرار گیرند. آنچه می‌توان برداشت کرد این است که در تمامی این برنامه‌ها ریشه‌کنی فقر مطلق و بهبود توزیع درآمد (فقر نسبی) مورد تأکید بوده است. در این میان بهبود توزیع درآمد، مورد تأکید بیشتری بوده است. با در نظر گرفتن این هدف کلی تا حدودی می‌توان برنامه‌های توسعه را در دستیابی به اهدافشان در زمینه ریشه‌کنی فقر مطلق و بهبود توزیع درآمد به شرح زیر مورد ارزیابی قرار داد:

بررسی کمی شاخص‌های فقر مطلق نشان می‌دهد که در طول برنامه‌های اول، نیمه اول برنامه دوم و برنامه چهارم در بهبود این شاخص‌ها و اهداف این برنامه‌ها ناموفق بوده‌ایم و با وجود بهبود نسبی شاخص‌های فقر مطلق در برنامه سوم و نیمه دوم برنامه دوم، در ریشه‌کنی فقر مطلق ناتوان بوده‌ایم. در مجموع میانگین تغییر شاخص‌های فقر در کل دوره مورد بررسی (۱۳۶۸ تا ۱۳۸۸) نشان می‌دهد که در دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه و بهبود پایدار شاخص‌های فقر، موفقیت قابل قبولی نداشته‌ایم.

در زمینه توزیع درآمد (فقر نسبی) و به رغم تأکید برنامه‌های توسعه، هیچ‌گونه موفقیت قابل قبول و پایداری نداشته‌ایم و فقر نسبی از ابتدای برنامه اول تا پایان برنامه چهارم تقریباً ثابت مانده است.

## پیشنهادات

- بزرگ‌ترین خدمت به فقرا و بهترین راه برای کاهش تعداد آنها، کنترل تورم به‌منظور جلوگیری از افزایش خط فقر است؛

- شناسایی علل فقر به تفکیک مناطق شهری و روستایی و به تفکیک استانی؛  
 - پیشنهاد می‌شود توانمندسازی فقرا با هدف شرکت در فعالیت‌های اقتصادی و کسب مشاغل پایدار محور اصلی سیاست‌های فقرزدایی قرار گیرد. در این راستا انتقال افراد دارای توانایی کار از پوشش خدمات حمایتی به پوشش بیمه‌های اجتماعی الزامی است؛

- موفقیت برنامه‌های فقرزدایی به میزان زیادی بستگی به میزان مشارکت فقرا در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌ها دارد. در این راستا تشکیل انجمن‌های محلی پیشنهاد می‌شود؛

- کاهش ریسک و عدم قطعیت می‌تواند تأثیر مهمی بر فقرزدایی داشته باشد. این کار را می‌توان با بیمه کردن محصولات کشاورزی و نظام حمایتی جامع و گسترده انجام داد و در کنار آن بهبود فرصت‌های کسب و کار و مبارزه با بیکاری مهم‌ترین عامل کاهش ریسک و عدم قطعیت است؛

- گسترش عدالت اجتماعی برای رفع فاصله طبقاتی و تبعیض اجتماعی موجود و ایجاد شرایط یکسان برای همه افراد جامعه به‌منظور رشد و شکوفایی در زندگی؛

- هدفمند کردن یارانه‌ها به‌سمت گروه‌های آسیب‌پذیر و نیازمند جامعه؛

- برپایی نظام جامع، فراگیر و کارآمد تأمین اجتماعی؛

- با توجه به گستردگی بیشتر فقر در جوامع روستایی، در سیاست‌های مقابله با فقر به این موضوع توجه جدی شود.



## منابع

### الف - فارسی

- افتخاری، سید فرخ؛ نوری پور، مهدی و آیت‌اله کرمی. ۱۳۹۱. «بررسی وضعیت فقر در مناطق روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد»، *اقتصاد کشاورزی*، شماره ۶.
- افقه، سید مرتضی و طلیعه قنواتی‌فر. ۱۳۹۰. «تخمین خط فقر در استان خوزستان (۱۳۷۶ تا ۱۳۸۵)»، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای (دانش و توسعه)*، (۱)، صص ۲۱-۱.
- ابونوری، اسماعیل و نادر مالکی. ۱۳۸۷. «خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۸۳-۱۳۶۸)»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸.
- انستیتو تحقیقات تغذیه‌ای و صنایع کشور. ۱۳۸۳. ارزش غذایی کالاهای خوراکی، تهران. پیرایی، خسرو و محمدرضا شمسوار. ۱۳۸۸. «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی استان فارس»، *پژوهشنامه اقتصادی*، سال نهم، شماره سوم.
- خالدی، کوهسار و زورار پرمه. ۱۳۸۴. «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران»، *فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه*، شماره ۴۹.
- خداد کاشی، فرهاد و فریده باقری. ۱۳۸۴. «نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی (۷۹-۱۳۷۱)»، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۲۲.
- خسروی‌نژاد، علی‌اکبر. ۱۳۹۱. «برآورد شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی»، *مدلسازی اقتصادی*، شماره ۱۸.
- راغفر، حسین و زهرا ابراهیمی. ۱۳۸۶. «فقر در ایران در سال‌های ۸۳-۱۳۶۸»، *رفاه اجتماعی*، شماره ۲۴.
- سن، آمارتیا. ۱۳۸۱. *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: دستان.
- کریمی، عبدالعلی و علی ارشدی. ۱۳۹۲. «بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران»، *طرح پژوهشی*، صندوق حمایت از پژوهشگران کشور.
- کیانی، منصور؛ عطار، خلیل و ژیلا حبیبی. ۱۳۹۰. «اندازه‌گیری و تحلیل اقتصادی فقر شهری کشور (و استان‌های ۳۰ گانه)»، *ارائه شده در همایش نیم قرن با اقتصاد خانوار*، مرکز آمار ایران.
- محمدزاده پرویز؛ متفکر آزاد، محمدعلی؛ صادقی، سیدکمال و صمد حکمتی‌فرید. ۱۳۹۱. «کاربرد الگوی حکمن دو مرحله‌ای در بررسی عوامل تعیین‌کننده شکاف فقر»

خانوارهای شهری و روستایی کشور»، *مطالعات اقتصادی کاربردی*، شماره ۴. محمودی، وحید. ۱۳۸۱. «اندازه‌گیری فقر در ایران»، *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، شماره ۲۴.

#### ب - انگلیسی

- Ali, Ikram, Saboor, Abdul, Ahmad and Mustafa Sarfraz. 2010. "Relative Poverty Dynamics in Pakistan", *Pak. J. Agri. Sci.*, Vol. 47(1).
- Arif, G. M and Shujaat Farooq. 2012. **Poverty Reduction in Pakistan: Learning from the Experience of China**, Pakistan Institute of Development Economics.
- Atkinson, Anthony. 1987. "On the Measurement of Poverty", *Econometrica*, Vol.55.
- Aydin, Kemal. 2008. **Relative Poverty in turkey between 1994 and 2006**, Kocaeli University-Turkey.
- Blanchard, Olivier, Cottarelli, Carlo and Siddharth Tiwari. 2013. **Jobs And Growth: Analyt**, Jobs And Growth, International Monetary Fund.
- Chen, Shaohua and Martin Ravallion. 2009. "Absolute Poverty Measures for the Developing World(1981-2004)", **World Bank Policy Research Working Paper 4211**.
- Dawood Jan, Philip R. Eberle, Abbasullah Jan, Ghaffar Ali and Munir Khan. 2009. "Absolute Poverty in Pakistan: Where are the Poor Concentrated?", **Sarhad J. Agric**, Vol.25.
- Denavas, Carmen, Proctor, Bernadette D. and Jessica C. Smith. 2013. **Income, Poverty, and Health Insurance, Coverage in the United States: 2012**, U.S. Department of Commerce Economics and Statistics Administration.
- Glassman, Amanda and Nancy Birdsall. 2013. "Can India Defeat Poverty", **Foreign policy**.
- Kwasi, Augustin. 2010. "Growth, Inequality, and Poverty Reduc tion in Developing Countries: Recent Global Evidence", **CSAE Working Paper WPS/2011-07**.
- Sen, Amartya K. 1981. **Poverty and Famines: An Essay on Entitlement and Deprivation**, Oxford, U.K.
- Townsend, Peter. 1985. "A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen", **Oxford Economic Papers**.

